

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"

26 اکتوبر 2012

عید قربان در غربت!!!

بدین وسیله حلول عید سعید را به کافه مردم دینپور افغانستان، اعم از آنان که درین شب و روز با صرف پولهای گزاف مصروف ادای فریضة حج استند و آنان که با شکمهای گرسنه، در خیمه های بی در و دروازه، الله گویان بسر میبرند و هر لحظه حادثه خونینی در انتظار شان است، مبارکباد گفته و طبق معمول شعری را که زمزمه های دوری از وطن دران نهفته است، پیشکش میکنم:

بی خبر از رنجهای عید در تبعید ما	یار پرسد از سرور و عیش روز عید ما
گفتمش جانا بعید از خود ز عید ما مپرس	بی گل رویت قرین غصه باشد عید ما
از وطن دوریم و تو هم در بر ما نیستی	نی وطن از ما و نی تو، در پی تأئید ما
گفت اگر نزدیکی ما موجب آرامش است	دیده وا کن تا ببینی روی چون خورشید ما
درد هجران وطن را چاره نتوان ساختن	گردی از آن خاک باید تا فروزد دید ما
حسرت آن خاک آبت میدهد آخر به باد	آب و خاکی آن چنان باید پی تشنید ما
ای خوش آن ایام کز تو دیده ام پرنور بود	ای وطن ای دولت شایسته و جاوید ما
بی تو در غربت غریبم با تو در عشرت قریب	ای وطن ای تخت ما، ای صولت جمشید ما
ای سواد دیده و ای روشنی بخشای چشم	ای فضای کسالت آرامش و امید ما
از حلول عید میخندد جهان اما چه سود	بی تو رنج و محنت و غم میکند تهدید ما

بشگفت تا غنچهٔ امید، در کـــــــــانون دل نسخه ای بفرست در تأیید و در تمجید ما

رنج تنهائی در آخر میگذشد ما را «اسیر»

بی خبر هستند یاران از غم تجرید ما

(م. نسیم «اسیر» - بُن المان، جنوری 1999م)